

شرایط و صفات قاضی!

دقیقی را که اسلام در شرایط قاضی به خروج داده در هیچ مکتبی نیست

این چنین کسانی را برای قضاوت برگزین!

با توجه به اهمیت مقام و مسئولیت سنگین قاضی در شریعت اسلام، لازم است که نخست به دستورات و توصیه‌های لازمی که علی (ع) به مالک اشتر استاندار و حاکم مصر درباره صفات لازم قاضی، داده است، اشاره کنیم. سپس به بررسی و بیان ویژگیها و صفات قاضی بپردازیم. اینک جملات امیر مومنان (ع)

«ای مالک برای منصب قضاوت، مهمترین، داناترین و برترین المراد ملت خود را برگزین. کسی که (علاوه بر علم و دانش، فضل و تقوا) خصوصیات زیر را نیز دارا باشد.

«بر حوصله و خون سرد باشد و کارها بر او سبقت جلوه نکنند و از دشواری کارها به تنگ نیاید، جدال و ستیزه‌داده‌خواهان او را به خشم نیارد و به لجاجت نوا ندارد (تا در نتیجه نتواند رای خود را بر او تحمیل کنند).

«اصرار در ادامه اشتباه و لغزش نداشته باشد.

«از بازگشت به حق پس از شناخت آن سرباز نزند.

«دشمن بدنام طمع (و آرز) نیفتد.

در داورى وحكم بدون تحقير و اندیشه لازم تنها به آنچه که در آغاز امر و نخستين مرحله بذهنش آمده ، اکتفا نکند .

نهم و شمر ، آگاهی و ژرفنگرى قاضى در مورد شبهات ، باید از همه بیشتر باشد . قاضى باید ، توانا تر از همه در استدلال و اقامه برهان باشد . نستوترازمه در مراجعه دادخواهان ، و شکيباترو بر حوصله ترازمه در کشف حقیقت و روشن شدن قضایا باشد . و پس از تشخیص حکم ، استوار تر و قاطع تر و برنده تر از همگان باشد . قاضى باید کسی باشد که نه ستایش بیجا او را به خود پسندی و غرور اکتند ، نه لبرنگ و القمون ، (دادخواهان) او را از حق منحرف سازد . اینگونه افراد بسیار کم یابند !!

استدلال قوه قضائى و تأمین نیازمندیهای قاضى !

پس (ای مالک) ، وظیفه تو است که از یکسو همواره ناظر و مراقب کارهای قاضى باشی و از دیگر سو ، درباره او چنان گشاده دستی کنی و سخاوت بفرج ده که نیازهایش تأمین شود (و بهانه اش بر طرف گردد) تا دست نیاز بطرف مردم دراز نکند . چنان مقام و منزلتى در نزد خود ، به قاضى عطا کن که هیچک از نزدیکان تو ، برای طمع در گرفتن این مقام از دست او ، نکند ، تا خاطرش از توطئه و دسیسه رجال دولت برسد خود ، آسوده باشد .

بازرسى و مراقبت شدید

(با همه اینها از مراقبت و نظارت شدید نباید کوتاهی کرد . « فانظر فی ذلك نظراً بليماً ، در این باره نهایت دقت و نظارت را بکار بر ! زیرا این دین در گذشته در دست اشرار اسیر بوده که با آن رفتاری هوس آلود داشتند و مطابق میل خود بآن عمل می کردند و بوسیله آن به دنیا چنگ می زدند . » (۱)

۱- نهج البلاغه مکتوب ۵۳ ص ۱۰۰ «ثم اختر للحكم بين الناس الغسل رعيتك في نفسك ممن لا تضيق به الامور ولا تمحكه الخصوم ولا يتمادى في الهزلة ولا يعصر من الفى الى الحق اذا عرفه ولا تشرف نفسه على طمع ولا يكتفى بادنئ لهم دون اقصاء . و اوقفهم في الشبهات و آخذهم بالحجج و اللهم تيرماً بمراجعة الخصم و اصبرهم على تكشف الامور و اصبرهم عند اتضاح الحكم ، ممن لا يزدويه اطراء ولا يستميله اغراء و اوليك قليل ، ثم اكثر تعاهد قضائه و اسح له بالبدل ما يزيل هلته ، و ثقل معه حاجته الى الناس و اعطه من المنزلة لديك ما لا يطمع فيه غيره من خاصتك ، ليامن بذلك احتمال الرجال له عندك . فانظر في ذلك نظراً بليماً فان هذا الدين قد كان اسيراً في ايدي الاشرار يعمل فيه بالهوى و يطلب به الدنيا . »

اینها نکات لازم و ارزنده اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، درباره گزینش قاضی بود که علی (ع) به حاکم مصر (مالک اشتر) یاد آورد و هر یک از این شروط و نکات، خود درخور بحث جداگانه و گسترده است و مطالب زیادی می‌توان از آن استخراج کرد و بحق يك آئین‌نامه استخدامی جامع و کامل قضات است.

دقت و مطالعه و تحقیق کافی در پرونده‌های حقوقی و دادخواستها و صبر و حوصله در کشف حقایق، استقلال قوه قضائی و عدم دخالت دولتمردان و صاحب‌منصبان و نزدیکان حاکم در کار آنها که معمولاً عامل مهم نابسامانیهای قضائی و عدم اجرای عدالت و احقاق حقوق ملت است، بنحو کامل در این فرمان آمده است. مسأله تامین نیازمندیهای قاضی و اعطای حقوق کافی به او و نیز نظارت و مراقبت دقیق و همیشگی بوسیله بازرسان آگاه و مومن عامل مهمی است، یادآوری شده است که بعداً به تفصیل در باره آنها سخن خواهیم گفت.

علاوه بر این نکات، شروط اساسی که اسلام برای قاضی قائل شده است به تفصیل بیان می‌شود.

۱ و ۲ - عقل و بلوغ - این دو شرط اختصاص به مقام قضاوت ندارد بلکه در تمام تکالیف شرعی و احکام و تصدی مقامها، شرط اولی و لازم است و هرگز هیچ مقام حساس بویژه مقامی که جان و مال و ناموس و شرف مردم در دست اوست، بدست کودک یا مجنون داده نمی‌شود و در اسلام حتی جنون ادواری هم مانع تصدی پست قضاوت است.

۳ - عدالت: در هیچیک از مکتب‌ها مسأله عدالت قاضی مطرح نشده است و این شرط مهمی است که مانع هرگونه انحراف قاضی و گرایش او بباطل و تضییع حقوق افراد است. و بهمین جهت هم در اسلام روی آن تأکید فراوان شده است. در کتب فقهی شیعه برای شرطیت عدالت در قاضی دلایلی بیان شده است که عبارت است از:

۱ - قضاوت از شئون امامت و شعبه‌ای از آن و از مصادیق عهد الهی است که خداوند فرموده است: «لاینال عهدی الظالمین». (بقره ۱۲۳) عهد من به ستمگران نخواهد رسید، پس فاسق هرگز شایسته چنین مقامی نمی‌باشد...

۲ - دلایل زیادی داریم که فاسق نمی‌تواند امام جماعت شود، شهادت و گواهی فاسق در امور دنیا و آخرت مقبول نیست، پس منصب قضا که از آنها حساستر و مهمتر است و مال و جان و ناموس و آبروی مردم در اختیار قاضی است، بطریق اولی نباید به فاسق و غیر عادل واگذار گردد. (۲)

۲ - جواهر الکلام ج ۴۰ ص ۱۲۰ - قضاء و شهادت مرحوم آشتیانی - کتاب قضاء حاج آقا ضیاء عراقی تحریر الوسیله جلد ۲ مسالك شهید ثانی.

زیرا قاضی غیر عادل می تواند با حکمی، مظلومی را بر گبار مسلسل ه بندد و به چوبه دار آویزد و یا ظالم و جانی و قاتلی را محترمانه تبرئه کند آبروی محترمی را بر باد دهد و فرشته ای را دیو سازد و دیوی را فرشته جلوه دهد. بهمین جهت اسلام روی این شرط تاکید فراوان دارد.

۴- اسلام و ایمان - بطور کلی دلایل شرطیت اسلام به قرار ذیل است : ۱- اجماع همه فقهاء امامیه ۲- از ضروریات مذهب شیعه ۳- تمام اخبار و آیاتی که دلالت بر عدم جواز تضوات مومن غیر عادل (و فاسق) دارد بطریق اولی شامل عدم جواز تضوات کافر خواهد شد ۴- کافر نمی تواند منصب قضاء اسلامی را عهده دار شود چون همانطور که گفتیم قضاء از مناصب عالی اسلام و امانت عظیم الهی است و کافر صلاحیت این امانت را ندارد. ۵- نفی سلطه کافر بر مسلمان ا قرآن صریحاً اعلام می دارد **لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً...** (۳)

خداوند هیچ نوع ساطه و برتری کفار را بر مومنان نمی پذیرد و هرگز سرنوشت اسلام و مسلمانان را بدست کفار نمی سپارد. زیرا اسلام عزیز و برتر است و هیچ چیز نمی تواند بر اسلام برتری یابد :

«الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه» (۴)

علاوه بر اسلام، غیر مومن هم نمی تواند قاضی بشود و طبق روایات زیادی که از پیامبر (ص) و امامان (ع) آمده است که شرطیت ایمان در قاضی از ضروریات مذهب امامیه است. (۵)

۵- طهارت مولد، حلال زاده بودن شرط تصدی این مقام است و اولاد زنا هرگز نمی توانند متصدی منصب قضا در اسلام بشوند زیرا به اتفاق علمای شیعه شهادت اودر مسایل مهم و حساس، مقبول نیست و نمی تواند امام جمعه و جماعت باشد. صرف نظر از اینکه معمولاً روح قانون شکنی در اولاد نامشروع وجود دارد و زمینه تخلف و زیر پا گذاردن قانون در او مساعد است و مزاجش برای ابتکار مستعد است، این شرط خود یک نوع محدودیت و تنبیه برای افراد جامعه است تا از هر گونه آلودگی و گناه

۳- سوره نساء آیه ۱۳۱

۴- بنقل صاحب وسایل الشیعه از کتاب فرائض

۵- به وسایل الشیعه کتاب قضاء باب صفات قاضی مراجعه شود منظور ایمان اعتقاد

به امامت ائمه (ع) است.

بهریزد و توجه داشته باشند که تنها افراد شایسته و پاک و خوش نام می توانند متصدی مقام و پست های مهم باشند .

و- علم - علم و اطلاع و آگاهی در حقوق اسلامی از شروط لازم است. امام باقر (ع) فرمود: « من اتقى بغير علم ولا هدى من الله فعليه لعنة ملائكة الرحمة و ملائكة العذاب ولعنة وزر من عمل بفتیاه (ع) »

کسیکه بدون علم و هدایت و شناخت نتوا دهد و حکم کند لعنت خدا و ملائکه رحمت و عذاب بر او باد و گناه تمام کسانی که به فتوی عمل کنند به گردن اوست .

امام صادق (ع) فرمود: از دو خصلت که سبب هلاکت مردان و انسان ها است شمارا باز می دارم ۱- مبادا دین باطل برگزینید و خدای را از طریق باطل به پرستید ۲- مبادا برای مردم در مورد چیزی که به آن علم ندارند و نمیدانید، فتوا دهید و حکم کنید . II (ص ۷) ادامه دارد

ع و ۷- جواهر الکلام ج ۴۰ ص ۱۳ و ۱۴ از وسایل ابواب صفات قاضی .
«... انهالك عن المخلصين ايها املاك الرجال . انهالك عن تدبير الله بالباطل و ان تفتي الناس بما لا يعلم ...»

تاریخ درختان

در زمانی که «لرد کروزون» معروف انگلیسی دبیر کل سازمان ملل متحد بود ، روزی «عصمت اینونو» که نماینده ترکیه در سازمان ملل بود ، به دیدار وی رفت ، لرد ، به مدت پانزده دقیقه به او وقت ملاقات نداد ، و او ناگزیر در اطاق انتظار نشست ، وقتی که اینونو وارد دفتر کار کروزون شد و او دست دراز کرد تا با وی دست بدهد ، اینونو دست خود را عقب کشید و در صندلی ای که او نشان داد ، نشست و گفت :

«زمانی که اجداد تو در جنگل از برگ درختان و پوست حیوانات برای خود لباس درست می کردند ، اجداد من در فلسفه و علم ، کتاب تألیف می نمودند !»

(الهادی سال ۷ شماره ۲)